



ساختار جامعه شغل‌های مشخصی را برای زنان ایجاد می‌کند، چون این فرصتها تنوع کمتری دارند، زنان کمتری شاغل می‌شوند. در مواقع عادی و رونق اقتصادی، زنان آخرین گروهی هستند که وارد بازار کار می‌شوند و در شرایط بحران اقتصادی و رکود و بحران بیکاری، اولین گروهی هستند که از بازار کار خارج می‌شوند. آموزش اصولی و برنامه ریزش شده موجب ارتقای سطح کیفی و فعالیتها گردیده است، راه را به سوی پیشرفت هموار می‌سازد.

از آنجا که نقش همه اقشار در برنامه‌های توسعه غیر قابل انکار می‌باشد، در سطح جهانی، فکر ایجاد مشاغل برای زنان بوجود آمد، اما بررسی نتایج جداول آمار دفتر بین‌المللی کار، نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی در سطح کشورهای آسیایی ۲۹/۱ درصد میباشد. این درصد اندک بیانگر این واقعیت است که اکثریت زنان جامعه بیکار و بدون حرفه می‌باشند. از آنجا که اشتغال هر فرد در فعالیت‌های اقتصادی، با در نظر گرفتن هزینه سرانه برآوردن آن توسط سازمانهای دست اندرکار و سرمایه گذارهای کلان در بخشهای گسترده‌ای دارد. در ایجاد اشتغال بر این زنان فاقد تخصص و وارد نمودن آنان در فعالیت‌های تولیدی نیاز به ایجاد مراکز تولیدی و کارگاهی دارد و همین امر بخش عظیمی از سرمایه گذارها را به صورت ثابت‌نگه می‌دارد. با توجه به این که مشکل کشورهای جهان سوم، پایین بودن تولید درآمد ناخالص ملی است، لذا باید به فعالیت زنان بیشتر توجه کرد.

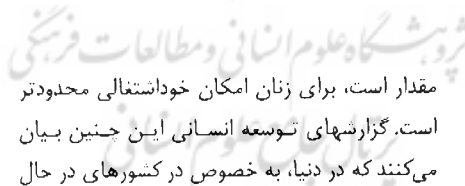
در ایران متأسفانه زنان در آمار ملی گم شده‌اند. بنا به گفته کالبرایت آنچه که شمارش نمی‌شود معمولاً دیده هم نمی‌شود. در کل شاغلین کشور ما ۹/۴ درصد، جامعه شهری ۹/۹ درصد، و جامعه روستایی ۸/۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. یعنی از میان ۱۲ میلیون جمعیت شاغل ما در سال ۱۳۷۰ فقط یک میلیون و ۲۰۰ هزار زن شاغل بوده‌اند. اگر به روند جمعیت شاغل طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ توجه کنیم، درمی‌یابیم که جمعیت شاغل کشور ما از سالهای ۱۳۳۵ به این طرف، مرتب افزایش پیدا کرده است. به طوری که در سال ۱۳۴۵ حدود ۶ میلیون در سال ۱۳۷۰ حدود ۱۲ میلیون شاغل

# اشتغال و نقش آن در

# فرآیند توسعه روستایی

■ قسمت دوم و پایانی

هادی عاقلی مقدم



## ● نقش زنان در اشتغال و توسعه روستایی

توسعه، زنان در آمار ملی گم شده‌اند.

قبل از سالهای ۱۹۷۵، در بخش توسعه، تصور این بود که زن‌ها به عنوان قشر اجتماعی محروم که ظلم مضاعفی را هم تحمل می‌کردند، باید مورد حمایت قرار گیرند. حمایتها غالباً جنبه مالی داشت، تصور بر این بود که اگر به زن‌ها کمکی شود و نیازهای اساسی یک انسان را برای زنان نیز رفع کنند، مشکل حل شده است. در دهه اخیر، به خصوص در سالهای اخیر، این نگرش به کلی عوض شده است، دیگر نگرش نسبت به زنان، تأمین نیازهای مادی آنان نیست، بلکه اصل مسأله مشارکت فعال زنان در همه ابعاد جامعه اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

جامعه‌ای در مسیر پیشرفت و توسعه قرار می‌گیرد، که از همه توانها و پتانسیل خود، در جهت بهره‌وری بهتر استفاده کند باید زمینه‌هایی را فراهم آورد که هرکس به اندازه توان خود جامعه را به سوی توسعه سوق دهد. یکی از توجهات شایسته و مهم در زمینه پیشرفت جامعه و اقتصاد، توجه به قشر زنان می‌باشد. در احترام و ارج مقام زن در اسلام، چه بسیار سخن گفته شده است. اگر این قشر به عناوینی دور از چشم قرارگیرند، جامعه راه پیشرفت خود را دیر می‌یابد. با وجودی که زنان نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، اما در جمعیت فعال اقتصادی، سهم آنها ۳۰ درصد است. در برخی کشورها، کمتر از این

داشته‌ایم (دوبرابر) ولی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰ جمعیت زنان شاغل بین یک میلیون تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر، نوسان داشته است. یعنی با دو برابر شدن جمعیت شاغل در کل کشور، عملاً اتفاقی در جمعیت زنان شاغل نیفتاده است و سهم زنان همواره رقمی زیر ۱۰ درصد جمعیت شاغل باقی مانده است چرا؟ آیا واقعا آنها کار نمی‌کنند، آیا آنها را از محاسباتمان به گونه‌ای کنار می‌گذاریم، زنانی که در کل اشتغال کشور، سهمی حدود ۸ تا ۹٪ دارند در مورد پدیده بیکاری سهمی حدود ۲۰ درصد به خود اختصاص می‌دهند به عبارت روشنتر، زنان در پدیده بیکاری، متحمل بار سنگینتری می‌شوند و فرصتهای کمتری برای اشتغال آنان فراهم شده است.

انتظار می‌رود که اگر زنان، ۱۰٪ شاغلین را تشکیل دهند در میان نیروی بیکاران هم سهمی حدود ۱۰ درصد داشته باشند. مرکز آمار ایران تعریف کار را چنین اعلام می‌کند؛ اگر فعالیتی برای کسب درآمد صورت گرفته باشد، کار نامیده می‌شود. بنا به تعریفی که مرکز آمار، از اشتغال زنان دارد در مورد شاخصهای اشتغال زنان در بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۰ حدود ۲ میلیون ۸۰۰ هزار نفر شاغل بوده‌اند که از این عده فقط ۸ درصد رازنان تشکیل داده‌اند و این سهم تقریباً در تمام سالهای ۳۰ تا ۱۳۷۰ همین میزان بوده است.<sup>۱۳</sup>

با توجه به این که زنان شاغل در بخش کشاورزی اکثرآ زنان روستایی هستند، لذا تعریف مرکز آمار از کار سبب شده که زنان روستایی که سهم بسیار زیادی در فعالیت های اقتصادی خانواده و در ارزش افزوده بخش کشاورزی دارند به طور کلی نادیده گرفته شود تحقیقات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی نشان می‌دهد که زنهاي مثالاً استان بوشهر و هرمزگان ۵۰ درصد نیروی کاشت، ۶۰ درصد نیروی برداشت را تأمین می‌کنند. زنان در دامداری نیز نقش اصلی را ایفا می‌کنند حدود ۵۰ درصد نیروی کار دامداری در گیلان و مازندران را زنها تأمین می‌کنند.

در کردستان، کرمانشاه و ایلام حدود ۶۳ درصد نیروی کار، برای مراقبت از دامها را زنها تأمین می‌کنند. جمع‌بندی یافته‌های تحقیقاتی وزارت کشاورزی، نشان می‌دهد که زنها حداقل ۵۰ درصد و در

بعضی از محصولات کشاورزی تا ۷۰ درصد نیروی کار را تأمین می‌کنند. چگونه است که وقتی به اشتغال آنها نگاه می‌کنیم فقط سهم ۵ درصد در کل نیروی کار در بخش کشاورزی مشاهده می‌شود؟ تعریف ارائه شده از کار موجب حذف زنان روستایی و اثر کار آنان در محاسبات ملی و در آمارها غایب شده است.<sup>۱۳</sup>

بر اساس اطلاعات موجود، تعداد شغل‌هایی که زنان کشور در جامعه روستایی می‌توانند، انتخاب کنند ۶ گروه شغلی است. البته در کل کشور حدود ۱۰ گروه شغلی برای زنان بیشتر نیست، در حالی که مردان بیش از ۳۶ گروه شغلی دارند.

اشتغال زنان در بخش کشاورزی، مبتنی بر مشاهده فعالیت‌های اقتصادی در جامعه روستایی و تحقیقات انجام شده از واقعیت‌های انکارناپذیر، نشان‌دهنده نقش بسیار اساسی آنها در تولیدات کشاورزی است، ولی تعریف مرکز آمار ایران از اشتغال، زن اصولاً شمارش نمی‌شود.

یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که در بسیاری از فعالیتهای زراعی و دامی و به خصوص در برخی از مناطق جغرافیایی مانند بوشهر، هرمزگان، گیلان و مازندران بیش از نیمی از نیروی کار را زنان تأمین می‌کنند، ولی آمارهای ملی تعداد زنان شاغل در بخش کشاورزی را حدود ۲۰۰ هزار نفر و در کل اشتغال بخش، کمتر از ۷ درصد اعلام می‌نماید.

سهم زنان ۱۰ درصد = امور کسبی ۱/۸ درصد + حرفه و صنعت ۵/۹ درصد + امور فلاحتی ۰/۴ درصد پس در اشتغال بخشهای اقتصادی سهم زنان ۱۰ درصد است.<sup>۱۳</sup>

با توجه به گفته‌های فوق، زنانی که در مزارع به کار کشاورزی و در منزل به کار قالیبافی و سایر کارهای صنایع دستی، شغولند و حاصل کار آنان کمک مؤثر و قابل توجهی در اقتصاد خانواده و کشور دارد، تاکنون کار انجام شده آنان در آمارهای موجود به تفکیک احتساب نشده است، از آنجا که در مقایسه با سایر بخشهای اشتغال، اشتغال جامعه روستایی صد در صد مولد می‌باشد و با توجه به این که یکی از شاخصهای ممالک جهان سوم پایین بودن سطح تکنولوژی و وجود نیروی انسانی فراوان می‌باشد. ایجاد زمینه‌های مساعد اشتغال روستایی در این گونه کشورها افزایش تولید را در بردارد. در این راستا با برنامه‌های در دست اجرای اخیر دولت که در خصوص صادرات غیر نفتی که صنایع دستی را نیز شامل می‌شود، اگر حاصل کار مولد زنان روستایی که نتیجه مؤثری در نتیجه مؤثری در زمینه ارز آوری و کمک به اقتصاد کشور دارد محاسبه شود، نقش فعال آنان بر همگان مشخص تر می‌گردد. آمار موجود در جدول ذیل گویای درصد توزیع اشتغال زنان و نقش فعال آنان در بخش کشاورزی و دامداری در سایر کشورها نیز می‌باشد (جدول شماره ۱)

مقایسه‌های اشتغال زنان در چند کشور آسیایی

کشور	ایران	بنگلادش	پاکستان	ژاپن	مالزی
عنوان مشاغل					
مشاغل علمی و تخصصی	۳۴/۵	۳/۳	۱۸/۳	۱۴/۱	۷/۶
کارکنان امور دفتری و اداری	۴/۸	۳/۳	۲/۹	۳۳/۴	۹/۹
مدیران و کارکنان عالی‌رتبه اداری	۰/۲	۰/۱	۲/۷	۱/۰	۰/۳
کارکنان امور بازرگانی و فروشندگان	۱/۲	۴/۴	۲/۳	۱۲/۷	۶/۲
کارکنان امور خدماتی	۳/۳	۳۸/۴	۱۰/۲	۱۱/۵	۸
کشاورزان، دامداران	۲۶/۷	۱۱	۱۶/۶	۰/۶	۲۱/۳
کارکنان مشاغل تولیدی	۲۳/۵	۲۶/۳	۶/۷	۲۶/۸	۱۵/۵
کارکنان مشاغل طبقه‌بندی شده و اظهار نشده	۵/۸	۱۳/۲	۴۰/۴	—	۱۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: مقاله بررسی و مقایسه اشتغال زنان در چند کشور آسیایی در فصلنامه تعاون روستایی کشاورزی



همانگونه که مشاهده می‌شود، سهم اشتغال زنان در بخش کشاورزان ایران نسبت به چهار کشور دیگر در مرتبه دوم قرار دارد. به عبارتی، بعد از کشور مالزی که ۴۱/۳ درصد از زنان شاغل را کشاورزان تشکیل می‌دهند، زنان روستایی ایران ۲۶/۷ درصد از کل شاغلین را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین اهمیت توجه به این گروه شغلی می‌تواند، از مهمترین برنامه‌ها باشد.

از نظر اشتغال زنان در ایران به تفکیک شهری و روستایی، می‌توان چنین بیان کرد که زنان در مناطق شهری ۲۹/۱ درصد و زنان مناطق روستایی ۲/۶ درصد فاقد اشتغال هستند. در واقع از هر یکصد نفر زن روستایی ۹۷/۴۰ درصد شاغل و از هر یکصد نفر زن شهری ۷۰/۹ درصد شاغل می‌باشند.

ایجاد شرایط مساعد و تسهیلات لازم، از جمله تأمین منابع اعتباری جهت تخصیص به پروژه‌های توسعه فعالیت زنان در روستاها، زمینه‌های رشد سریع آنان را فراهم می‌سازد. در این میان تأثیر ایجاد افزایش تشکلهای مردمی یا به عبارتی تعاونیهای خاص زنان را نمی‌توان نادیده گرفت. زیرا اساس هر تعاونی ریشه در نیاز گروهی دارد، به عبارت دیگر چون حواجی این گروه شغلی (زنان روستایی) همگن بوده‌است، زمینه‌های ایجاد گسترش تعاونیهای خاص آنان مهیا می‌باشد.

توجه به مشارکت مردان و زنان به عنوان جزء اصلی هر سیاستی در توسعه، به طور اجتناب ناپذیری ما را به طرف تعاونیهای واقعی و سازمانهای مشابه می‌کشاند.

در اینجا به عواملی که در روستاها به عنوان اشتغال زایی زنان، در اولویت باید قرار بگیرد، اشاره می‌گردد.

۱ - طراحی سیاستها و استراتژیهایی که بتوانند، زمینه ساز تحولات فرهنگی در جامعه گردد. لذا نیاز به یک دیدگاه زمینه ساز در برنامه توسعه احساس می‌گردد.

۲ - باید موانع تحول و ترقی در باور زنان نسبت به تواناییهای خود متحول شود.

۳ - باید برای زنان، به منظور ازدیاد فرصتهای انتخاب مشاغل (خوداشتغالی) آموزش مهارتهای لازم

## برگزار گردد. 12

۴ - ارزش افزوده کار زنان در صنایع دستی من جمله قالیبافی، دقیق محاسبه شود.

۵ - تعاونیهای زنان تشکیل شود در صورتی که بیش از ۵۰٪ اعضا یا شاغلین را زنان تشکیل دهند.

۶ - صندوق های اعتباری تعاونی مخصوص زنان با سرمایه و مدیریت زنان ایجاد شود.

۷ - ابزار و امکانات لازم برای بالا بردن بهره‌وری در کار زنان فعال روستایی ایجاد شود.

۸ - ایجاد باشگاههای زنانه در محدوده‌های روستایی که دختران و زنان جوان بتوانند، بدون دغدغه خاطر در این مراکز حضور یابند و با زندگی اجتماعی انس و الفت برقرار کنند و به رشد اجتماعی که لازمه مشارکت در امور است دست یابند.

جهت دستیابی به این اهداف و با توجه به این که زنان نقش بسیار حساسی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی به عهده دارند و موجب بالا بردن تولید ناخالص ملی می‌شوند نادیده انگاشتن آنان در روند توسعه و روستایی سبب خسران و عدم توسعه می‌شود.

## ● توریست و نقش آن بر اشتغال زایی روستایی

جمعیت کره زمین دائماً در حال افزایش است با توجه به این مسأله روز به روز بر جمعیت شهرنشین

افزوده می‌گردد. در دهه‌های اخیر، میزان مهاجران از روستاها به سوی شهرها بیشتر شده و زندگی همگام با طبیعت را مبدل به زندگی ماشینی نموده‌است. تراکم بیش از حد جمعیت، آلودگیهای صوتی، آلودگیهای هوا به سبب دود حاصل از اگزوز ماشینها، حرارت مرکزی شهرها که در دستگاه تنفسی انسان ایجاد اختلال می‌کند، وجود بیماریهای حاصل از اینگونه عوامل، همه و همه دست به دست هم داده و پدیده‌ای را به نام شهرگریزی بوجود آورده است. مردم برای خلاصی از این محیط چندش آور، رو به سوی طبیعت روستا آورده، زندگی همراه با آرامش، هوای پاک و منزه را در آنجا احساس می‌کنند و این عامل تأثیر بسیار زیادی بر محیط فرهنگ و روستا گذاشته و سبب روی آوردن روستاییان به مشاغل جدید را فراهم آورده است. خانواده‌های روستایی با توجه به تقاضای افرادی که از شهر به روستا آمده‌اند به صنایع مختلف روی می‌آورند و محلهای جدید اشتغال برای نیروی کار روستایی به وجود می‌آید.

تقاضای متنوع موجب تغییر در نوع و کیفیت تولیدات کشاورزی روستاها شده است. روستاییان بر طبق علایق افراد شهری به سوی تولیدات مختلف و اقتصاد متنوعتری روی آورده‌اند که از آن جمله قالیبافی، جوراب‌بافی، گلیم بافی و باغداری می‌باشد. این عوامل موجب افزایش اشتغال زنان روستایی در رابطه با هموعان خود در شهر شده است.

جمعیت کنونی روستایی برای خوش آمدگویی به توریست یا مسافر آماده نیست، و در آغاز ممکن است نسبت به خارجی‌ان The outsiders خصوصتی وجود داشته باشد. کسانی که با آنها از طرف اعضای جامعه محلی، ده (یا بچه‌های آنها) به طور کاملاً متفاوتی رفتار می‌شود و کسانی که در جستجوی استخدام شهری مهاجرت کرده ولی برای تعطیلات خود به جامعه محلی موطن خویش باز می‌گردند، مورد توجه روستاییان مقیم قرار می‌گیرند ولی افراد جدیدالورود به علت عدم آشنایی، مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. این بدبینی که توسط اعضای جوامع محلی روستایی در آغاز نسبت به خارجی‌ان ابراز می‌شود، کم‌کم کاهش خواهد یافت. چون که درمی‌یابند که تدارک تسهیلات برای خارجی‌ان، می‌تواند حداقل دارای چهار فایده باشد:

۱ - شکلهای استخدامی مکملی ایجاد می‌شود که ممکن است به سود همه مخصوصاً زنان و مردان جوانی باشد که در نواحی مبتنی بر کشاورزی، برای آنها کار به آسانی فراهم نیست. به این ترتیب رامید Rambaud (۱۹۶۹) گزارش داد که سکنه روستا به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد شکلهای اضافی اشتغال و استخدام، مهمترین استفاده‌ای بود که از وجود مسافرین تازه وارد به روستا به دست آمده کار در هتلهای و خانه‌های شبانه روزی یا تولید و فروش هدایا، مانند کار روی آهن، ظروف سفالین، پارچه‌های دستیاف و غیره فراهم است. (جدول شماره ۲)

نویافته ناشی از حضور دیدارکنندگان در روستا

فوائد	%
ایجاد مشاغل جدید	۵۰%
تهیه درآمد اضافی	۲۵%
معرفی عقاید جدید	۲۲/۵%
زندگی اجتماعی بیشتر	۱۰%
بدون عقیده	۲/۵%

رقم کل از ۱۰۰ درصد تجاوز می‌کند زیرا پارهای جواب‌ها پاسخ‌های مشترک می‌باشد.

۲ - این مشاغل می‌تواند درآمدهای اضافی مهمی برای خانواده‌های روستایی فراهم کند.<sup>۳</sup> برای مثال اتاقهای موجود در مزارع محلی یا در سایر

خانه‌ها می‌تواند، نیازمندیهای مسافرین را از لحاظ مسکن مرتفع سازد.

۳ - زارعین محلی این فرصت را پیدا خواهند کرد که پارهای از تولیدات خود را به طور مثال شیر - سبزیجات و میوه را به مسافران آمده اسکان یافته در خانه‌ها و مسافرین در راه، عرضه کنند. بدین وسیله اینان موفق به کسب درآمد مازاد می‌شوند.<sup>۳</sup>

۴ - با تماسهای بین مسافرین و اعضای جوامع محلی روستایی، از این جهت می‌تواند نافع و سودمند باشد که تجربه، و درک وسیع‌تری از زندگی و کار در دنیای خارج از روستا را فراهم می‌آورد.<sup>۳</sup>

مفهوم و اصطلاح کار از طرف روستائینان بعد از آن که با مسافران شهری تماس برقرار کند، تغییر خواهد کرد. در زمان گذشته به فعالیتهای کشاورزی سنتی بیشتر به صورت یک راه روش در زندگی نگریسته می‌شد تا یک فعالیت صرفاً شغلی، بنابراین این کار کشاورزی طوری ترتیب داده شد که ساعات بیداری زارع را با درجات مختلف شدت، طی سال زراعی اشغال کند. کار همچنان که در مورد جامعه صنعتی و فوق صنعتی با ۵ روز، ۴۰ ساعت کار هفتگی مصداق دارد و از اوقات آزاد انسان جدا است، از اوقات فراغت جدا نبود. اما همین که زارعین و اعضای خانواده‌های کشاورز شروع به تهیه جا و غذا و سایر تدارکات برای مسافرین تازه وارد کردند، آنها فعالیتهای خود را به گونه‌ای تنظیم خواهند کرد که ناگزیر به قبول مقاصد انتفاعی خواهد بود و همچنین به گونه‌ای که کار اوقات فراغت کاملاً از هم تفکیک خواهد شد.

از جنبه دیگر قضیه کشت و زراعت به وضعیت پستی ترول خواهد کرد، زیرا تدارکات غذا و مسکن و تسهیلات برای توریست، چهار حسن اصلی در بردارد.

۱ - معمولاً از نظر مالی سود بخش‌تر از کار کردن روی زمین است.

۲ - در برگیرنده درجه‌ای از آموزش حرفه‌ای است که در مورد زراعت مصداق ندارد، برای مثال مانند زارعی مه به عنوان معلم اسکسکی یا مانند یک مستخدم در فصل توریستی کار می‌کند.

۳ - روبرو شدن به نیازمندیهای مسافرین، درجه

ای از شخصیت اجتماعی به خریدن‌شیده و به او شانس پیشرفت اجتماعی می‌دهد، زیرا که متحمل است از مهارتهای او بیشتر (و به طور سود بخش‌تری) یا در جامعه موطن او یا در یک محل بزرگتر استفاده شود؛ اعم از این که این محل، مرکز توریستی دیگری بوده یا یک شهر باشد.<sup>۴</sup>

۵ - تدارک غذا و مسکن و تسهیلات برای مسافرین، اجازه سود مطمئن‌تری را نسبت به سودی که از کشاورزی عاید می‌شود، می‌دهد.

این مسئله جامعه روستایی را از نظر توسعه یک گام به عقب می‌کشاند. لذا آموزشهایی در خصوص کشاورزی و فرهنگی جهت این که به کشاورزی یک دید جامع‌گرایانه بدهد الزامی است. دولت قبل از اینکه روستا از این ناحیه به ورطه عقب ماندگی بیفتد، باید اقدام لازم را در این زمینه انجام دهد.

با توجه به این تفاسیر، توریسم، مانند تمام شکلهای نفوذ شهری در روستا، عوامل پیوستگی را در جامعه از طریق معرفی کردن یا تشدید کردن رقابت و فردیت درهم می‌شکند، در جایی که روستائیان ممکن است در گذشته در کار زراعی یا یکدیگر همکاری و تشریک مساعی یا به اصطلاح کلکتیویزم روستایی کرده باشند، هم‌اکنون مانند رقبایی عمل خواهند کرد و دیگر از آن همدلی و صفا که در خانواده روستایی به چشم می‌خورد، خبری نخواهد بود. زیرا در جهت تأمین نیازهای مسافرین با هم به رقابت می‌پردازند. اما همه اعضای جوامع محلی روستایی از این لحاظ آرزوی رقابت با یکدیگر را ندارند یا قادر به این کار نیستند. به این ترتیب حسادت و نارضایتی از طرف آنها می‌است که نسبت به زارعین، مغازه داران و هتلداران کوچکی که درآمدشان را افزایش داده و روش زندگی‌شان را تغییر داده‌اند، منفعت نکرده‌اند.

زارعین و توریستها به محیط روستایی مزارع و کشتزارها از دیدگاههای متفاوتی می‌نگرند. برای یک فرد مسافر تازه وارد یک باریکه زمین کشاورزی ممکن است از نظر بصری جاذب یا غیر جاذب باشد، این باریکه زمین ممکن است، برای لذت او از ناحیه مورد نظر تسهیلاتی را عرضه بدارد و یا ندارد برعکس، همان بخش روستا، نمایشگر محیطی است که زارع مورد نظر ناگزیر است از آن کسب معاش کند.

بنابراین نواحی روستایی توسط اعضای گروه‌های مختلف که هدفهای متفاوتی در سردارند به شیوه‌های گوناگونی ارزیابی می‌شود. چنین نواحی همچنین با روشهای متفاوتی مورد برداشت و تفسیر قرار می‌گیرد. زارع به یک قطعه زمین کشاورزی به صورت یک قطعه مجزا از روستا می‌نگرد که به کشتزارها و قطعات زمین کوچکتری با اختلافهای آشکار از لحاظ حاصلخیزی، طرز عمل سنتی، و وابستگی‌های عاطفی تقسیم می‌شود. بنابراین او یک برخوردار اکولوژیکی را با ناحیه مورد نظر تطبیق می‌دهد. مسافر مورد نظر تمایل دارد به محیط روستایی از دیدی کاملاً متفاوت نظاره کند، او به محیط روستایی به صورت یک سری نقاط شهری در فضا می‌نگرد که ممکن است برای حظ ولذت جویی او توسعه یافته باشند. او متوجه روابط یک قطعه زمین با قطعات زمین مجاورش نیست به این ترتیب وجود دو سیستم کاملاً متفاوت ارزشی از محیط روستایی تطبیق داده می‌شود. به طور مثال یک کشاورز ممکن است به پیشانی پرشیب یک تپه به شکل یک قطعه زمین غیر حاصلخیز با خاکهای سنگی نازک نگاه کند که برای مقاصد کشاورزی، دارای ارزش محدودی است. بر اساس چنین ملاکی، او به آن ارزش پولی ناچیز می‌دهد. از طرف دیگر، یک مسافر شهری ممکن است به همان قطعه زمین به صورت یک محل بسیار دلپذیر با یک دید عالی مشرف به منظری مصفا که موقعیت خوبی را برای بنای یک خانه دوم عرضه می‌دارد، بنگرد. در نتیجه مسافران مایلند به مالکان اراضی روستایی، مبالغ بسیار بالاتری در قبال فروش زمین بپردازند.

همین که یک ناحیه روستایی به قسمتی از فضای تفریح و فراغت شهری تبدیل شود، یک سلسله روابط جدید توسعه می‌یابند. ساکنان دیگر، تنها به تولید اجناس کشاورزی فکر نمی‌کنند، بلکه در محیط تفریحات سالم ملی و در حقیقت بین‌المللی داخل شده‌اند. الگوهای اشتغال همچنان که مشاغل مکمل ایجاد شده، تغییر یافته است محیط روستایی مربوطه، که شاید برای اهداف کشاورزی در معرض خطر قرار داشت و برای جمعیت محلی دافع بود، هم اکنون برای مسافری تازه وارد جذاب شده است و

می‌تواند از طریق تسهیلات اضافی متوسط سکنه روستایی بیش از این چنین شود. در نتیجه در زندگانی ده بر اساس معیارهای سنتی جامعه محلی روستایی کمتر تصمیمی می‌تواند گرفته شود، تا زمانی که اثری از وجود این مسافرین در روستا به چشم نمی‌خورد، اختلافات و کشمکشها به نحو اجتناب‌ناپذیری برانگیخته خواهد شد. زیرا که همه سکنه ده میل ندارند، خدمات خود را به مسافرین بفروشند یا املاک خود را برای مصارف تفریحاتی عرضه دارند. چنین موردی ممکن است، نقشه‌های خود را برای بزرگ کردن کشتزارها یا برای ترکیب قطعات کوچکتر زمین زراعی بر آب ببینند، اول به خاطر قطعات زمین پراکنده اطراف ده که متعلق به مسافرین شهری است و بنابراین برای تجدید ساختار کشاورزی در دسترس نیست. دوم به واسطه صدور کلی قیمت‌های ده، از زمانی که تهاجم شهری آغاز شده است.

نتایج خالص تغییرات اجتماعی بدست آمده، از برخورد مسافرین تازه، با جوامع محلی روستایی، در خود بحثی باز و گسترده است. از یک طرف می‌توان گفت که تدارک غذا و مسکن و تسهیلات برای تازه واردین یک سری اشتغال‌هایی را ایجاد می‌کند که مکمل کشاورزی است و بدین وسیله منابع درآمد

اضافی عرضه می‌کند که به سکنه روستایی اجازه خواهد داد، شرایط زندگی خویش را بهبود بخشند و بدین وسیله آنها را به ماندن در روستا تشویق می‌کند. این مزیت ممکن است برای زنان جوان ارزش ویژه‌ای داشته باشد که برای آنها مشاغل محلی به آسانی فراهم نیست. بنابراین آنها بیشتر از مردان جوان برای مهاجرت به شهر مستعد هستند. از طرف دیگر می‌توان چنین استدلال کرد که انتشار اطلاعات راجع به ارزشهای زندگی شهری از راه تماس با مسافرین فقط روستا نشینان را از وضع و شرایط خود ناراضی‌تر ساخته و آنها را به طرف شهر می‌راند. جایی که مهارت‌های تازه بدست آمده آنها ممکن است، تکمیل گردد و از آن استفاده سودآورتری بشود. این ممکن است بویژه در مورد جوانان مصداق داشته باشد که بسیار کمتر از والدین و اجداد خود به زادگاهشان وابستگی دارند.

کوتاه سخن اینکه رابطه توریست با فرد روستایی علاوه بر بروز فوایدی مشکلاتی را سبب خواهد شد. فرد روستایی با آشناسدن با افکار فرد شهری، کم‌کم به سوی رفاه طلبی سوق پیدا می‌کند و کار کشاورزی که زمانی عشق و علاقه یک روستانشین را تشکیل می‌داد، را کنار می‌گذارد و خود تبدیل به خوش‌نشین



می‌گردد. ما متأسفانه با مواردی که در ابتدای میحت بیان گردید، نمی‌توان مانعی برای ورود شهریان جهت استفاده از محیط روستا ایجاد کرد. لذا می‌توان با امکانات آموزشی و فرهنگی جلوی از خود بیگانگی را در محیط روستایی گرفته و مانع از این شد که آن تولیدکننده‌ای که پایه اقتصاد کشور آن هم کشور در حال توسعه را به دست دارد، موجبات اشتغال خود را در شهر فراهم آورد و جذب کارهایی که نیاز به تخصصی ندارد، گردد و این به عهده مسئولین است که در این راه خطیر گام برداشته و مملکت عزیز اسلامیمان را روز به روز به آن افتخاری که حق آن است، برسانند.

## نتایج و پیشنهادات

تحلیل تجربی اشتغال، اهمیت عظیم ساختار اقتصادی را آشکار می‌کند، گرچه در الگوهای دوگانه که در ابتدای سخن بدان اشاره گردید، اشاره شده است. این تحلیلها بیش از اندازه معطوف به بررسی جنبه‌هایی بودند که در پژوهشهای نظری به طور اجمال بررسی شده‌اند. توجه نوشته‌های نظری، عمدتاً به حدودی که نیروی کار را می‌توان از بخش روستایی بیرون کشید بی‌آنکه بدان لطمه‌ای وارد شود، متمرکز بوده است. مطالعات تجربی اشتغال بخش روستایی، اهمیت عظیم نوسانهای فصلی در عرضه نیروی کار را که به نوبه خود با آب و هوا، الگوهای کشت، مکانیزاسیون و نوع بذر مرتبط است و تا اندازه‌ای از ساختارهای مالکیت ارضی اثری می‌پذیرد، مورد تأکید قرار داده‌اند.

احتمالاً سه علتی که بیش از سایر علتها بیکاری در بخش روستایی بر آنها تأکید شده است عبارتند از:

- ۱ - نظام مالکیت ارضی ۲ - تهاجم تکنولوژی کمبودهای فیزیکی در عرضه منابع انسانی
- ۳ - صرف نظر از نابرابریهای موجود در ساختار مالکیت ارضی در بسیاری از کشورها، مخصوصاً آمریکای لاتین و آسیا عدم انعطاف مالکیت ارضی، تطبیق با رشد سریع جمعیت را محدود کرده و غالباً منجر به این شده است که فقیرترین بخشهای جمعیت با کارکردن بر قطعه زمینهایی که دائماً در حال کوچکتر شدن هستند به سختی درآمدی ناچیز بدست آورند.

از هر چه بگذریم هدف نهایی مشی و سیاستگذاری این نیست که فقط مشاغل بیشتری فراهم کند. بلکه باید کاری را تأمین کند که از لحاظ اجتماعی مولد باشد و درآمد کافی برای سطح زندگی معقولی به بار آورد.

بالا بردن درآمدهای مستمندان، متضمن بسیاری از همان مسائل و موضوعهایی است که تأمین فرصتهای اشتغال را موقمی که به عنوان هدفهای خط مشی تلقی می‌شوند، در بردارد. و حصول یکی تا اندازه‌ای به معنی دست یافتن به دیگری است. بنابراین بررسی آنها با یکدیگر کاری معقول است. با این حال گاه ممکن است با یکدیگر سازگار نباشند. هر چه دستمزدها بالاتر رود افزایش تعداد مشاغل دشوارتر باشد، تأکید بر دو بعد مسئله اشتغال به ما نمی‌گوید که چگونه چنین معماهایی را حل و فصل کنیم؛ بلکه کمک می‌کند که از مستغرق شدن گمراه کننده، در تنها یکی از وجوه آن جلوگیری شود.

در پایان ارائه پیشنهاداتی جهت اشتغال در محیط روستایی که موجب توسعه آنرا فراهم آورد؛ خالی از لطف نیست پیشنهادات ارائه شده عبارتند از:

- ۱ - به میانی زیر بنایی روستا چون توسعه بازارهای روستایی جهت تهیه و خرید تولیدات روستاها و فروش آنها اهمیت داده شود.

۲ - موجبات توسعه صنایع روستایی و الزام توجه به مشاغل کوچک در نواحی روستایی چون جاجیم و گلیم بافی و .... در اولویت قرار گیرد.

۳ - آموزشهای لازم با توجه به بهره‌وری هر چه بیشتر از آن چون آموزشهای قالبیافی - گاوآداری صنعتی - آبخیزیار ارائه شود.

۴ - جهت افزایش توانایی مردم روستاها سرمایه گذاری شود.

۵ - به رشد تعاونیهایی چون تعاونیهای فرش، اتحادیه‌های فرهنگی، و دیگر تعاونیهای موجود در روستاها توجه شود.

۶ - بتانسلیلهای محیطی در روستاها دقیقاً شناخته شود.

۷ - توزیع برنامه ریزی شده صنعت به مناطق عقب‌افتاده، که عامل نابرابری درآمد و فقر محیطی را تحت پوشش می‌دهد.

## منابع و مأخذ مورد استفاده

- ۱ - مهرانگر کار، ترجمه پروین رتسی فرد. زنان در بازار کار ایران به اهتمام تئوریهای نابرابری جنسی. روشنگران ۱۳۷۳
- ۲ - احمد خراسانی اشتغال در جهان سوم - ناشر: سازمان برنامه و بودجه، تاریخ چاپ: ۱۳۶۸
- ۳ - سرکار خانم دکتر پردخت فشارکی - جغرافیای روستایی - ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی - تاریخ چاپ انتشار ۱۳۷۳
- ۴ - دکتر فرامرز رفیع پور - جامعه روستایی و نیازهای آن - ناشر: شرکت سهامی انتشار - تاریخ انتشار: ۱۳۶۴
- ۵ - شولتز و تشودو. و. ترجمه دکتر محمود نوسلی - سرمایه گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی، ۱۳۷۰ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی
- ۶ - عزیز کهاروند - اشتغال و فقر در جهان پسر آشوب - انتشارات برنامه و بودجه، ۱۳۴۵
- ۷ - گروه مشاوران یونسکو - ترجمه دکتر فریده مشایخ - فرآیند برنامه ریزی آموزشی - انتشارات مدرسه، سال ۱۳۷۲
- ۸ - دکتر حسن شیکوهی - دیدگاههای نو در جغرافیای شهری - انتشارات سمت - چاپ اول ۱۳۷۳
- ۹ - دکتر محمود ریاضی داودی - درآمد ملی و تحلیل اشتغال - انتشارات دانشگاه ملی ایران - سال ۱۳۵۷
- ۱۰ - دکتر حبیب الله زنجانی - جمعیت و توسعه - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی، چاپ اول، سال ۱۳۷۱
- ۱۱ - اشتغال و فقر در جامعه روستایی ایران - سمینار برنامه ریزی مراکز و سکونتگاههای روستایی - ۱۳۷۱
- ۱۲ - سرکار خانم مریم کریمانی صالح، بررسی مقایسه اشتغال زنان در چند کشور آسیای - فصلنامه تعاون روستایی و کشاورزی ۳، بهار ۱۳۷۴
- ۱۳ - سرکار خانم دکتر زاله شادی طلب، نقش زنان و مشکلات آنان در اشتغال - مجله زنان، سال چهارم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴
- ۱۴ - کشاورزی و توسعه اجتماعی - منابع سازمان ملل - روزنامه ابرار، شهریور ماه ۱۳۷۴